

روش‌های جبران خسارات زیست محیطی بر مبنای اصول اخلاقی محیط زیست: در نظام حقوقی ایران

محمد جعفری مجد^۱

غفور خوئینی^۲

حسین مهدوی کنده^۳

چکیده

طبیعت و محیط زیست در متون دینی، حق همه انسانها در همه دورانهاست. بنابراین در مقابل حق استفاده‌ای که خداوند برای انسان در محیط زیست و طبیعت قائل شده است، وظیفه‌ای نیز بر عهده او گذاشته است که آن، حفظ و حمایت و بهره‌برداری صحیح از محیط زیست است؛ زیرا هدف خداوند از در اختیار گذاشتن طبیعت برای انسان این است که جهت رفاه، آسایش و تکامل خود از آن بهره‌مند شود. بنابراین، اگر در استفاده از این امکانی که در اختیار او قرار گرفته، زیاده‌روی کند، بر خلاف آن هدف متعالی اقدام کرده که نتیجه‌اش به خطر افتادن حیات خود او و دیگران و بازماندن از سیر تکاملی در مسیر سعادت دنیا و آخرت خواهد بود. اولاً با توجه به ماهیت و تحول مفهوم خسارت زیست محیطی به نظر می‌رسد که اعمال قواعد عام و سنتی روشهای جبران خسارت زیست محیطی در حوزه حقوق محیط زیست چندان کارایی ندارد و از این رو تدوین نظام جبران خسارت خاص زیست محیطی با رویکرد روشهای نوین لازم است. ثانیاً گسترش آلودگی‌های مختلف، تغییر آب و هوا، تحلیل لایه ازن، کاهش تنوع زیستی و تعداد بی‌شمار معضلات زیست محیطی که حیات انسان‌ها را در کره خاکی تهدید می‌کنند و کیفیت حیات را به شدت تقلیل داده‌اند واقعیت انکارناپذیر است که جامعه بین‌المللی سخت با آن دست به‌گریبان است. هدف این مقاله روش‌های جبران خسارات زیست محیطی در نظام حقوقی ایران است. تا از این رهگذر کمک اندکی به حقوق زیست محیطی کشورمان صورت بگیرد.

واژگان کلیدی

خسارت، محیط زیست، جبران، حقوق، طبیعت.

۱ - «عضو هیات علمی وزارت علوم» و مدرس دانشگاه خوارزمی تهران mjaafarimajd@gmail.com

۲ - «دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه خوارزمی تهران و رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی» skhoeini@khu.ac.ir

۳ - «دانشجوی دوره دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد پارس آباد» (نویسنده مسئول) Mahdavi356@yahoo.com

طرح مسأله

محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت همواره نیازمند حفاظت و حمایت به طرق گوناگون بوده است. پیشرفت عرصه‌های مختلفی مثل تکنولوژی، صنعت و حمل و نقل تعرض گسترده به این حیطه وسیع را افزایش داده است. هم‌چنین گذشت زمان و فزونی جمعیت، کره خاکی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد. یکی از آن‌ها رو به اتمام نهادن مواهب نهفته در دامان طبیعت است. اشتراک انسان‌ها در مالکیت و بهره‌وری از منابع طبیعی و حس سودجویی و فزون‌طلبی، ابزارهای پیشرفته صنعتی، تهدید روزافزونی نسبت به منابع و حقوق انسان‌ها محسوب می‌گردد.

این روند ادامه یافت تا آنجا که در اوایل قرن گذشته بشر متوجه پدیده‌های بسیار خطرناک ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست گردید همانند پدیده گرمای جهانی و تخریب لایه اوزن که بروز سرطان را در پی دارد. درک موضوعات زیست محیطی و رفتار مردم در این زمینه در طول قرون گسترش یافته است. از آنجا که محیط زیست و پالایندگی آن از ضروریات بقای بشریت می‌باشد لذا باید مانع از ورود صدمه و خسارت به آن گردید.

نکته حائز اهمیت آن بخش از مسایل زیست محیطی است که ماهیت «فرامرزی» دارند، مسلماً آلودگی‌هایی وجود دارند که ممکن است در قلمرو یک دولت محاط نمانند و ممکن است هر گونه صدمه‌ای که در یک دولت به محیط زیست وارد می‌شود دارای انعکاس‌هایی در سرزمین دولت‌های دیگر و در فضایی بین‌المللی باشد

مطابق منشور ملل متحد و برابر با اصول حقوق بین‌الملل، دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع خاص خود، مطابق سیاست‌های ویژه خویش در خصوص محیط زیست و توسعه، حق حاکمانه دارند و مکلفند مراقبت کنند تا فعالیت‌های مربوط به صلاحیت و یا اختیارشان به محیط زیست دولت‌های دیگر و یا به مناطق مستقر در ماورای حدود قلمرو قضایی ملی‌شان آسیب نرساند. (ناظمی، مهرداد، ۱۳۸۵)

بر مسؤولیت بین‌المللی آثاری مترتب است، هنگامیکه مسؤولیت بین‌المللی تحقق یافت کشور و یا سازمان بین‌المللی مسؤول، مکلف به جبران و ترمیم خسارات وارده است. بنابراین، نتیجه اساسی مسؤولیت، تعهد به جبران خسارت کامل است. برای گام نهادن در تبیین نظام مسؤولیتی محیط زیست پیش از هر چیز باید معنای واژه‌ی «محیط زیست» و سپس «خسارت» وارد به آن را به درستی درک کرد.

تعریف لغوی واصطلاحی محیط زیست

محیط زیست معادل ترجمه‌ی فارسی واژه «Environment» است. این اصطلاح ترکیبی است از دو واژه‌ی «محیط» و «زیست». محیط واژه‌ی عربی واسم فاعل از «احاطه» است

که مقابل «محاط» قرار می‌گیرد. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۸۰۷ و ۱۸۰۸) از نظر لغوی محیط دومعنی دارد: یکی «فراگیرنده، دربرگیرنده و احاطه کننده» و دیگری «اقیانوس»: (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۹۵) «زیست» واژه ای فارسی و مترادف «زندگی» و «حیات» است. بنابراین می‌توان گفت محیط زیست از لحاظ لغوی به معنای محلی است که آدمی را احاطه نموده و قلمرو حیات و زندگی اوست. (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۴) آیت الله جوادی آملی محیط زیست را این گونه تعریف می‌کنند: «محیط زندگی آدمی و هر موجود زنده ی دیگر از فضای خانه گرفته تا فضای کوچه ها، خیابان ها، پارک ها و فضاهای سبز، توقفگاه ها، جنگل ها، حاشیه ی نهرها، مراکز آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، خدماتی، اداری، عبادی و... محیط زیست به شمار می‌آیند». (آملی، ۱۳۹۱: ۶۹۰)

محیط زیست را از لحاظ اصطلاحی می‌توان کلیه شرایط طبیعی که شامل عوامل فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی و فرهنگی که بر موجودات زنده و فعالیت های انسانی دارای تأثیر است، دانست. (Rey, 1993, p460) الکساندر کیس معتقد است اصطلاح محیط زیست را می‌توان به یک منطقه محدود و یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده، اطلاق نمود. (کیس، ۱۳۷۹: ۵) در جای دیگر در تعریف محیط زیست آمده که عبارت است از محیطی که فرآیندهای را دربر گرفته و با آن برهم کنش دارد، محیط زیست از جوامع انسانی، طبیعت و فضاهایی که به دست انسان ساخته شده است، تشکیل گردیده و کل فضای کره زمین یعنی زیست کره را فرا می‌گیرد. (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱: ۱) از این تعریف به این مسئله پی می‌بریم که محیط زیست، واحدی یکنواخت و هماهنگ نمی‌باشد بلکه از مجموع محیط های گوناگون تشکیل شده است که جملگی این محیط ها با یکدیگر ارتباطی متقابل دارند، بدین جهت هم هست که این واحد منسجم و غیر یکنواخت در برابر تغییرات و دگرگونی های ایجاد شده در هر کدام از محیط های جزئی خود، واکنش نشان می‌دهد. (نوری، ۱۳۷۲: ۴۷۶) بنابراین هر کدام از این محیط ها جزئی از کل هستند که کنش و واکنش موجود در آنها در قالب کل یا به عبارتی زیست کره قابل فهم و توجیه است. (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱: ۳ و ۲)

اقسام و انواع محیط زیست

امروزه مفاهیم محیط شناسی به حدی گسترده شده اند که برای هر نوع فعالیت ذهنی یا عینی آدمی، محیط خالص آن مقوله را مطرح می‌کنند، تقسیم بندی سنتی محیط زیست از ماهیتی فراگیر برخوردار است که به عبارتی تقسیم بندی های خردتر رانیز تحت پوشش قرار می‌دهد. به طور کلی برای محیط زیست، سه نوع محیط، قابل تشخیص است که عبارت است از سپهر طبیعی، سپهر اجتماعی و در نهایت سپهر مصنوع یا انسان ساخت.

۳-۱. محیط طبیعی

محیط طبیعی به محیطی اطلاق می‌شود که ساخته دست آدمی نیست و با وجود اینکه

مورد دستکاری او واقع شده ولی همچنان ماهیت خویش را حفظ نموده است. دریاها، جنگل‌ها، کوه‌ها، بیشه‌ها، جملگی در زمره محیط زیست طبیعی محسوب می‌شوند که دربرگیرنده بخشی از فضای این کره خاکی هستند. (بهرام سلطانی، ۱۳۶۵: ۴) عوامل سازنده محیط طبیعی به ۲ گروه جاندار و بی جان تقسیم می‌شود که عناصر جاندار نیز خود به دو دسته آلی و غیر آلی قابل تقسیم بندی هستند. عوامل جاندار شامل پوشش گیاهی «رویش طبیعی» و حیات وحش می‌باشد. عوامل بی جان نیز، شامل اقلیم و عوامل اقلیمی، ساخت‌های خاک شناسی، ساخت‌های زمین‌شناختی، منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی است. (گروه منابع طبیعی و محیط زیست ملل متحد و برنامه عمران ملل متحد، ۱۳۸۴: ۳۱)

۳-۲. محیط اجتماعی

مقصود از محیط اجتماعی فضایی است که بشر در آن زندگی می‌کند و هم‌چنین نهادها و ارگان‌های اجتماعی را که به امور گوناگون می‌پردازد در بر می‌گیرد به عبارت دیگر متشکل از شخصیت حقیقی و وهم حقوقی است. (بهرام سلطانی، پیشین، ۷) محیط اجتماعی از خانواده آغاز می‌شود و گستره آن تا ملت و دولت ادامه می‌یابد. به این ترتیب اگر روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی میان کشورها و جوامع گوناگون را مورد مذاقه قرار دهیم، قلمرو و گستره محیط اجتماعی را می‌توان بسیار فراتر از حدود مرز ملی دانست. اغلب مشکلات زیست محیطی در کشورهای در حال توسعه از محیط اجتماعی نشأت می‌گیرد، تأثیر پذیری محیط زیست از محیط اجتماعی بیشتر از تأثیر پذیری از عوامل فنی در حیطه محیط زیست است زیرا بیشتر مسائل و مشکلات فنی مثل آلودگی آب و هوا، فرسایش خاک، تخریب پوشش گیاهی همگی تا حد زیادی ناشی از پاره‌ای ناهنجاری‌های اجتماعی است. (حکیمیان، ۱۳۷۲: ۲) یعنی ناشی از عواملی همچون فقر، گرسنگی، بی‌سوادی، بیکاری، کمبود مسکن، بهداشت و مانند اینهاست.

۳-۳. محیط مصنوع

سپهر فنی، محیطی است که زاده تفکر و مخلوق دست آدمی است و چنین تفکری ریشه در فرهنگ، فلسفه و تمدن جامعه یک سرزمین دارد. شهرها، روستاها، اماکن تجاری و اداری، جملگی زاده تفکر انسانی و اجرای این بعد از تفکر و دید زیست محیطی وی می‌باشد. (فیروزی، ۱۳۸۳: ۱۷) محیطی که در جهت برآوردن نیازها و اهداف آدمی و به واسطه وی دچار دگرگونی شده است. البته در این جانفش انسان سازنده محیط زیست نیست بلکه بهره‌بردار از محیط طبیعی است و متناسب با توانایی خود در دخل و تصرف از این محیط، ساختار اصلی محیط زیست را در هم می‌ریزد و تصویر جهان را مادامی که قادر باشد به گونه‌ای دیگر رقم می‌زند. این دخالت بیش از آنکه مثبت و امنیتی‌زا باشد موجبات تهدید و تخریب محیط طبیعی و حیات انسانی را فراهم می‌نماید. این محیط همان گونه که بیان کردیم، توسط آدمی، به صورت عینی به منظور فعالیت‌های انسانی خلق شده

وقلمرو آن ممکن است محیط‌های خرد و شخصی تا محیط‌های کلان را شامل شود

حقوق محیط زیست

واژه حقوق در زبان فارسی معانی گوناگونی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان این معنار را بیان نمود که می‌گوید: حقوق مجموعه قواعدی است که بر اشخاص از این جهت که در اجتماع هستند حاکم است، البته این حقوق امتیاز و موهبتی الهی محسوب نمی‌شود بلکه امتیازی است که قدرت صالح دولت برای اشخاص در برابر یکدیگر به رسمیت می‌شناسد و این حقوق تنهادر صورت وجود اجتماع به منصفه ظهور می‌رسد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۳ و ۱۴ و ۲۴۸) و اما در رابطه با مفهوم حقوق محیط زیست می‌توان حقوق محیط زیست را مقرراتی دانست که پیشگیری از آلودگی و حفاظت محیط زیست، هدف اصلی و نهایی آن است. (موسوی، ۱۳۸۵: ۳۱) البته این حقوق در مفهوم امروزی آن، در سطح ملی برگرفته از تعاریف برخی کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی است. (گروه صلح کرسی حقوق بشر، ۱۳۸۹: ۳۳۵)

در تعریفی جامع از محیط زیست، گفته شده است: «محیط زیست رشته‌ای از حقوق است که ارتباطی تنگاتنگ با حفاظت و حمایت از محیط زیست دارد و در برگیرنده مقررات و اقداماتی پیش‌گیرانه به همراه اقداماتی برای ایجاد مسئولیت و همچنین پاک‌سازی تا حد امکان حوادثی است که اثری مخرب بر محیط زیست دارند که این قوانین هم به صورت خاص و هم عام می‌توانند نمود پیدا کنند.» این حقوق را هم از منظر ملی و هم بین‌المللی می‌توان مورد مطالعه قرار داد، به عبارتی این حقوق به دو بخش داخلی و بین‌المللی قابل تقسیم بندی است.

۴-۱. حقوق ملی «داخلی» محیط زیست

حقوقی که در قلمرو سرزمینی یک دولت قابلیت اعمال دارد و تنظیم‌کننده روابط افراد در آن جامعه با همدیگر و همچنین با قوه اجرایی در رابطه با مسائل محیط زیستی است را حقوق داخلی محیط زیست می‌گوییم. این حقوق در بردارنده قوانین حمایت از محیط زیست در سطح داخلی است که این قوانین ممکن است شامل استانداردها، مقررات‌گذاری‌ها، نهادها و سازمان‌های اجرایی محیط زیست باشند که در درون یک دولت به منظور نظارت بر اعمال زیان‌بار به محیط زیست ایجاد شده‌اند. (گروه صلح کرسی بشر، ۱۳۸۹: ۷۶) همچنین، این حقوق با تمهیدات خویش، زمینه حفاظت از منابع طبیعی و انسانی و پیشگیری از آلودگی را فراهم می‌آورد. (موسوی، ۱۳۸۵: ۲۳)

۴-۲. حقوق بین‌الملل محیط زیست

حقوق بین‌الملل محیط زیست، مجموعه قواعد و مقرراتی هستند که در جهت حفظ محیط زیست تدوین شده و از اعمال قواعدی از حقوق بین‌الملل کلاسیک و منابع آن نتیجه شده است

که امروزه، اغلب در قالب عهدنامه‌های چند جانبه تدوین می‌شوند که در بسیاری موارد اکثریت کشورهای جهان به آن ملحق شده‌اند. هدف اصلی حقوق بین‌الملل محیط زیست، حفاظت از محیط زیست برای نسل امروز و نسل‌های آتی است. این حقوق بین‌دولت‌ها در جهت ارتقاء و بهبود استانداردهای زیست محیطی در سطح بین‌المللی و ایجاد تعهدات و الزاماتی برای دول از قبیل تنظیم رفتار آنها در روابط بین‌المللی در خصوص مسائل مربوط به محیط زیست ایجاد شده‌اند. (رابینسون، کولاسوریاریا، ۱۳۹۰: ۱۳۵) در تعریفی دیگر از حقوق بین‌الملل محیط زیست، آن را مجموعه مقررات عام بین‌المللی اعم از قراردادی، عرفی بین‌المللی، اعلامیه‌های بین‌المللی زیست محیطی، در راستای جلوگیری از آلودگی، حفاظت کره زمین و فضاهای مربوط به محیط زیست بشر و ارتباط زیست محیطی بین کشورهای دانسته‌اند. در مورد اعلامیه‌های زیست محیطی هر چند آنها را حقوق نرم می‌دانند به این معنا که در اصل دارای قدرت الزام‌آوری نمی‌باشند ولی اینها، اصولی هستند که کشورها به صورت اجمالی و کلی پذیرفته و آنها را برای اداره محیط زیست جامعه بین‌المللی ضروری دانسته‌اند. (موسوی، ۱۳۸۵: ۲۳-۳۲)

اصول حقوق محیط زیست

به موجب ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌الملل دادگستری اصول کلی حقوقی یکی دیگر از منابع حقوق بین‌الملل می‌باشند. در رابطه با مفهوم اصول کلی حقوقی در فرهنگ‌ها به پنج مفهوم اشاره شده که مهم‌ترین آن این است که منظور اصول پذیرفته شده در کلیه نظام‌های مهمی حقوقی قابل پذیرش در صحنه بین‌المللی می‌باشد. در حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز اصولی وجود دارند که شالوده این حقوق را تشکیل می‌دهند. اعلامیه حقوق محیط زیست استکهلم ۱۹۷۲، ریود وژانیرو ۱۹۹۲ به بیان اصول حقوق محیط زیست می‌پردازد. هدف این دو کنفرانس رسیدگی به مسائل زیست محیطی و آثار فعالیت‌های بشر بر محیط طبیعی است. بر طبق اصول آمده در این اعلامیه‌ها، انسان‌ها هم‌چنان که دارای حق آزادی هستند از حق زندگی در محیط زیست سالم برخوردارند یعنی محیط زیست که از نظر کیفی به آن‌ها امکان دهد تا به نحو خوب و محترمانه زندگی کنند؛ لذا برای رسیدن به این خواسته موظف به نگهداری و حفاظت از محیط زیست و اصلاح آن به نحوی می‌باشند که نسل حاضر و نسل‌های آینده بتوانند از آن برخوردار شوند. در ذیل به بررسی برخی از مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌پردازیم:

۵-۱. اصل حفظ تعادل محیط زیست

به موجب این اصل بشر نباید در محیط زیست دست به اقداماتی بزند که موجب برهم خوردن تعادل زیست محیطی شود. مقررات تدوین شده در تمامی اسناد بین‌المللی زیست محیطی نیز بر اساس این اصل قرار دارند.

۵-۲. اصل انصاف

انصاف خود به عنوان یکی از منابع فرعی حقوق بین الملل محسوب می شود که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین الملل دادگستری به آن اشاره شده است. از این منبع به خصوص زمانی که موضوع به محکمه بین المللی ارجاع شود و در صورتی که چنین اختیاری به قاضی یا داور رسیدگی کننده داده شده باشد استفاده می شود. در رابطه با محیط زیست انصاف حکم می کند که کشور هابه تناسب نقشی که در آلودگی و تخریب محیط زیست داشته اند در رفع آن ها اقدام نمایند و دارای مسئولیت باشند و از طرف دیگر کشور های در حال توسعه خواهان این می باشند که کشور های پیشرفته ما به ازاء محدودیت های فعالیت های زیست محیطی از طرف آن ها را پرداخت نمایند تا آن ها بتوانند به توسعه مورد نظر دست یابند. (Sands, p217)

۵-۳. اصل حق آگاهی و مشارکت

حقوق محیط زیست ارتباط نزدیکی با حق آگاهی و مشارکت دارد. حق آگاهی یعنی مردم جامعه باید نسبت به کلیه فعالیت هایی که در جامعه صورت می گیرد و بر زندگی آن ها تأثیر دارد آگاه باشند مثلاً در مورد ایجاد یک کارخانه، مردم باید نسبت به آثار آن بر محیط زیست آگاه باشند و اگر آن فعالیت برای محیط زیست مضر باشد باید جلوی آن گرفته شود. بنابر این کلیه فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و جمعی باید بر اساس چنین حقی صورت بگیرد. این حق موجب وضع تکالیفی برای دولت و هم چنین برای اشخاص می شود. بنابر این مسائل زیست محیطی باید در کانون مسؤل زندگی عمومی مردم قرار داشته باشد.

مفهوم خسارت

واژه «خسارت زیست محیطی» «Environnementaux, Dommage» اولین بار توسط یکی از حقوق دانان فرانسه بکار گرفته شد که بشر بر خسارات با واسطه ناشی از محیط زیست اشاره داشت. دشواری اصلی درباره تعریف خسارت زیست محیطی ای است که آیا قربانی چنین خسارتی انسان است یا محیط زیست. یعنی آیا اموال زیست محیطی از لحاظ حقوق تحت حمایت هستند یا خیر؟ در پاسخ به این سوال دو گرایش اساسی وجود دارد (۱) برخی از نویسندگان، محیط زیست را منشا ورود خسارت به انسان دانسته اند. (۲) در مقابل عده ای از حقوق دانان خسارت به خود محیط زیست را صرف نظر از بازتاب های آن قابل مطالبه دانسته اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۹۵)

اولین عنصر استثناء ناپذیر ساختمان مسئولیت مدنی «زیان» (خسارت_ضرر) است. یعنی تا زمانی در میان نباشد امکان تصور مسئولیت مدنی نیست. از این رو لازم است ابتدا مفهوم زیان و اقسام آن بیان شود.

دکتر کاتوزیان در تعریف ضرر می نویسد: «هر جا که نقضی در موال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه ای وارد آید، می گویند ضرری به بار آمده است.» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۴۲)

خسارت در فرهنگ عمید به معنی زیان بردن، زیان دیدن، زیانکاری و زیان ذکر شده است (حسن عمید، ۱۳۶۰: ۷)

در کتاب ترمینولوژی حقوق، دکتر جعفری لنگرودی خسارت را چنین معنی کرده است: الف: مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مادی به دیگری شده به متضرر داده شود.

ب: زیان وارد شده را هم خسارت می گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴) نکته قابل توجه این است که بنا به این تعریف‌ها اصطلاح خسارت فقط در مورد جبران مالی زیان‌های مادی بکار می‌رود و شامل زیانهای معنوی نمی‌گردد.

خسارت ممکن است منشأ مدنی یا جزایی داشته یا ناشی از شبیه جرم باشد. (جعفر بوشهری، ۱۳۸۳: ۱۵)

واژه «ضرر» یا «خسارت» در لغت به معنای آسیب، تباهی و از دادن دارایی یا حق، همچنین به معنی: ضد برح، ضرر کردن، زیان مندی، ضرر و زیان آمده است. (معین، ۱۳۶۰: ۵۷) صاحب قاموس و راغب اصفهانی ضرر را «ضد نفع» و به معنی «سوء حال» آورده اند، اعم از اینکه سوء حال نفس به خاطر قلت علم و فضل یا سوء حال بدن به خاطر فقدان عضوی از اعضا و یا به خاطر قلت مال و آبرو باشد. (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

معمولاً در مقام بیان خسارت‌ها، خسارت را به دو نوع مادی و معنوی تقسیم می‌کنند و برخی از خسارت‌ها را واجد دو جنبه مادی و معنوی می‌شناسند مانند ضرر وارده به جسم و جان و سلامت و حیثیت اشخاص که این گونه صدمات بدنی و حیثیتی، هر دو مورد را شامل می‌شود. پس برای اینکه مفهوم انواع خسارت روشن شود باید ضرر مادی را از ضرر معنوی و از صدمات و لطمات بدنی باز شناخت.

عمل ضرر در حقوق کیفری منحصر به موردی نیست که شخص نفع مادی یا مالی را از دست می‌دهد انسان در برابر لطمه‌های روحی و ... نیز آسیب پذیر است، آسیبی که گاه نمودار نیست ولی از درون به او آزار می‌رساند. ضررهای عاطفی را نمی‌توان با پول ارزیابی کرد آنچه از دست رفته است با پول بدست نمی‌آید. به همین جهت گروهی آن را جبران ناپذیر می‌دانند و از آلائشهای مادی مبرا می‌شناسند و می‌گویند چگونه می‌توان در جایگاه مادی کسی که فرزند خویش را از دست داده است ضرر او را جبران کرد و با چه تعبیر می‌توان حیثیت برباد رفته شریفی را بدست آورد؟

ولی باید دانست که جبران خسارت به معنی زدودن همه آثار آن نیست و در ضررهای

مادی نیز دادن پول همیشه نمی‌تواند آنچه را که زیان دیده از دست داده است را به او باز گرداند

اقسام خسارت

حقوقدانان خسارت‌ها (زیان‌هایی) را که برای آن مسئولیت مدنی ایجاد می‌شود به سه گروه متمایز تقسیم کرده‌اند: ۱- زیان مادی ۲- معنوی ۳- بدنی.

۱-۷. زیان مادی

هرگاه آنچه از دست رفته قابل ارزیابی به پول باشد و صدمه به حقوق مالی برسد، ضرر مالی است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۴۲) ضرر مالی که به شخص میرسد ممکن است در اثر از بین رفتن مالی باشد (اعم از عین یا منفعت یا حق) یا در نتیجه از دست منفعتی، پیش از تردید داشتند که از دست دادن منفعت را نیز در مزه‌ی ضررها آورند، ولی امروزه در متون گوناگون «عدم النفع» نیز در شمار خسارات آمده است. عدم النفع یعنی زیان دیده از داراشدن چیزی - که به طور معقول می‌توانست انتظار آن را داشته باشد - محروم شود. (ژوردن، ۱۳۸۵: ۱۸۵) در حقوق موضوعه‌ی ایران، ماده‌ی ۲۲۶ و مادگان بعد از آن در قانون مدنی از خسارت نام برده و خسارت عدم النفع را مستثنی نکرده، بنابراین این می‌توان گفت که عدم انفع نیز جزء خسارات است.

۲-۷. زیان معنوی

دکتر کاتوزیان در تعریف ضرر معنوی می‌نویسند که: «صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی است: مانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی، از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی و ایجاد شرمساری». در ماده‌ی ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ایران جبران زیان معنوی پذیرفته شده و گفته شده است که: کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود، میتواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد، هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید».

۳-۷. زیان بدنی

صدمه‌های بدنی را باید زبانی میان آن دو گروه به شمار آورد، چرا که هر دو چهره‌ی مادی و معنوی را دارا است: صدمه‌هایی که به سلامت شخص وارد می‌شود، هم از بعد روانی باعث زیان اوست و هم هزینه‌های درمان و جراحی و بیمارستان و از کار افتادگی و کفن و دفن را بر دارایی او تحمیل می‌کند. ارزیابی خسارت ناشی از صدمه‌های بدنی دشوار است، زیرا غالب این خسارت‌ها در آینده تحقق می‌یابد و احتمال و گمان و حدس در آن موثر است: (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۴۵) به عنوان مثال، به دشواری می‌توان به قطع رسید که مشکلات تنفسی و ریوی ناشی از آلودگی هوا چه عوارضی به بار می‌آورد، درمان آن چه اندازه به درازا می‌کشد و چه اندازه

هزینه دارد و میزان از کار افتادگی ناشی از آن چیست.

مفهوم خسارات زیست محیطی

مفهوم خسارت زیست محیطی معمولاً "به عنوان مفهومی مالی در نظر گرفته می شود، که در این حالت ارزش اقتصادی خسارت وارده یا ضرر، مطرح می باشد. تکمیل این مورد می تواند شامل ارزش تجاری، ضرر معنوی و علایق هنری و منافع علمی باشد.

همانطور که می دانیم وسایل جبران خسارت مدنی معمولاً "پرداخت غرامت پولی، منع کردن یا دستور توقف آن فعالیت می باشد. بنابراین اشخاص ممکن است با طرح دعوا و درخواست خسارت ودر نتیجه آن برطرف شدن آلودگی بازیابند.

عموماً "میزان آسیبی که به محیط زیست وارد می آید نمایانگر راههای گوناگون، نسبت به طرح دعوا برای جبران خسارت می باشد. مثلاً" در برخی موارد، ممکن است خواننده مسؤول پرداخت مبلغ خسارت گردد یا اینکه دادگاه مربوطه اجازه بهره برداری از تأسیسات را بدهد البته منوط به رفع خسارت از طریق اصلاح آن، پس در این حالت، مجازاتها وقتی می توانند تحمیل شوند که اصلاحات به موقع انجام نگرفته باشند.

میزان خسارت در مقام ارزیابی بستگی دارد به، صدمات مالی و زیان وارده به اموال و داراییها ویا تأسیساتی که طی یک فعالیت خطرناک اتفاق افتاده است، برای نیل به این اهداف باید به تعریف محیط زیست به طور موسع توجه کرد که شامل منابع طبیعی زنده و غیر زنده از قبیل هوا، آب، خاک، جانوران و گیاهان، تأثیر متقابل بین آنها، میراث فرهنگی و مناظر و چشم اندازهای اطراف می گردد.

نهایتاً "جبران خسارت ممکن است برای هزینه های مربوط به تدابیر مخففه ویا خسارات یا آسیبی که ناشی از این قبیل تدابیر بعد از یک حادثه بروز نموده است ویا وقتی آن خسارات یا آسیب در حال حرکت حادث می شود یا از اجسام خطرناک در مواد خطرناک جاگرفته، مانند ارگانیزمهای تغییر یافته ژنتیکی خطرناک یا میکرو ارگانیزمهای خطرناک ناشی از رادیو اکتیو یا مواد زائد نتیجه شود.

ماهیت و روش جبران خسارات زیست محیطی

جایی که زیان قبلاً وارد شده باشد غرامت یا خسارت مالی، به نفع طرف زیان دیده حکم داده خواهد شد. وظیفه اساسی احکام خسارت، جبران تمامی زیانهای وارد بر محیط زیست، کارکردهای آن و هزینه هایی است که از رهگذر زیان زیست محیطی وارد می شود. صدور یک حکم کامل جبرانی به ماهیت زیان، ویژگیهای محیط زیست مورد نظر و ظرفیت فنی احیای خسارت بستگی دارد. هرگونه حکم به جبران خسارت یا غرامت مالی مستلزم ارزیابی اقتصادی خسارت وارده است. با بروز خسارت زیست محیطی مشکلات زیادی در این خصوص بروز می

کند. البته کلیه اجزای محیط زیست را به سادگی نمی‌توان ارزش گذاری کرد. بسیاری از اجزای محیط زیست وجود دارند که دارای ارزش اقتصادی (بازاری) نیستند زیرا آنها مورد معامله قرار نگرفته و یا به عنوان اموال عمومی (مانند هوای پاک)، امانات عمومی (سواحل) یا ثروت ملی (پارک‌های ملی) در نظر گرفته می‌شوند. کارکردهای منتزعه اما حیاطی محیط زیست از قبیل سامانه های حامی - حیاط یا گرده افشانی زنبور های عسل کالا عاری از ارزش اقتصادی تلقی می‌گردند. با این همه در کل، ارزش اقتصادی محیط زیست به منزله یک کل می‌تواند به عنوان مبلغی شامل تمامی کالاها (غذا، الوار، گیاهان دارویی، پناهگاهها) و کارکرد های محیط زیست (حمایت از حیاط، تفریح، جذب آلاینده ها) در نظر گرفته می‌شود که در زمان فعالیت مورد نظر ارایه می‌شده است. هرگونه نقصان در کمیت و کیفیت جریان ارائه کالاها و کارکرد های همراه با تغییر محیط زیست که از رهگذر فعالیتی بوجود می‌آید، می‌تواند به عنوان زیان زیست محیطی در نظر گرفته شود. ارزش کامل اقتصادی زیان زیست محیطی در بردارنده ارزشهای برآمده از استفاده مستقیم و غیر مستقیم و سایر ارزشهایی است که مبتنی بر استفاده یا بهره‌برداری نیستند. استفاده ها می‌تواند مصرفی (درختان، ماهی ها) و غیر مصرفی (شکار پرندگان) باشند. استفاده غیر مستقیم برای نمونه شامل جلوگیری از فرسایش و سیل بوسیله حفاظت از پوشش سطحی زمین و حفاظت از پلانکتون ها به عنوان بخشی از زنجیره غذایی دریایی می‌شود. ارزشگذاری با روشهای متعددی امکان پذیر است. برای محصولاتی مانند ماهی یا الوار که از اجزای محیط زیست بدست می‌آیند مهمولا ارزش بازار می‌تواند برای محاسبه خسارات وارده مورد استفاده قرار گیرد. برای کالاها و کارکردهای زیست محیطی فاقد ارزش در بازار، باید از روشهای غیر مستقیم ارزشگذاری استفاده کرد. در صورت امکان، یکی از این روشها ارزیابی هزینه های احیا یا بازگرداندن محیط زیست به حالت سابق می‌باشد. ممکن است هزینه های اقتصادی تبعی از قبیل فوت درآمد یا خسارت به لذت ناشی از منافع تفریحی و چشم اندازی محیط زیست آسیب دیده وجود داشته باشد. صدور هر حکم خسارتی مستلزم تصمیم گیری در مورد مبنای ارزیابی ارزش محیط زیست، قبل از ورود خسارت است. (محسن عبدالهی، ۱۳۹۴: ۱۴۱ و ۱۴۲)

خسارت های زیست محیطی بعلت ویژگی ها و ماهیت ویژه ای که دارند لزوم اتخاذ رویکردهای مبتنی بر مسئولیت مبتنی بر خطر را تقویت می‌نماید. خسارات زیست محیطی غالباً «غیر قابل جبران»، «دیرپا» و از لحاظ بار اثبات «مشکل» هستند. بر این اساس برابر ماده ۴ منشور محیط زیست «هر شخصی باید در چارچوب مقرر در قانون نسبت به جبران خساراتی که بر محیط زیست وارد نماید اقدام نماید». (علی مشهدی، ۱۳۹۱: ۳۱) اعاده به وضع سابق، از بین بردن منبع ضرر و جبران نقدی خسارت از اقسام روشهای جبران خسارت زیست محیطی است.

در زمینه خسارت محیط زیست احراز رابطه سببیت میان خسارات وارده و فعل زیانبار دشوارترین رکن اثبات مسئولیت مدنی شخص آلوده کننده محسوب می‌گردد. این دشواری در رابطه با آلودگی هوا با شدت بیشتری وجود دارد و ناشی از ویژگیها و اوصاف خاص این قسم از آلودگی نظیر غیر مستقیم بودن خسارات، منابع متعدد آلودگی، فرامرزی بودن و دخالت عوامل دیگر در جریان ورود خسارت است. گاهی در ورود خسارت اسباب و عوامل گوناگونی دخالت دارند و در نتیجه، تعیین رابطه سببیت با سبب حادثه را مشکلمی کنند. که به نظر می‌رسد مطابق ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳۳۲ قانون مدنی در حقوق ایران، اصل سبب نزدیک و بلاواسطه است مگر آنکه سبب دورتر سبب اقوی باشد. (اعظم علم‌خانی، ۱۳۹۳: ۷۳)

روش‌های پیشگیری از خسارات زیست محیطی

۱-۱۰. ارزیابی پیامدهای زیست محیطی

یکی از ابزارهای قانونمند و عالم‌الشمول در حقوق محیط زیست تطبیقی به منظور تضمین پایداری توسعه به ویژه از بعد تحقق بخشیدن به اصول تضمین پایداری، تعادل و کارایی توسعه پایدار، در ارزیابی پیامدهای «زیست محیطی» است. هدف از این سیستم، پرهیز از هرگونه اشتباهات پرهزینه در برنامه ریزی‌های توسعه است. پرهزینه هم از نظر ضررهای زیست محیطی و هم از نظر خارجی که باید صرف شود تا پروژه‌ای توسعه‌ای از جهت کیفیت زیست محیطی مقبول جامعه و دولت واقع شود. (سازمان حفاظت محیط زیست مالزی، ۱۳۸۴: ۲۰)

در خلال دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی معاهدات بین‌المللی به تدریج الزامی‌هایی را بر فرآیند ارزیابی پیامدهای زیست محیطی اعمال کردند که به طور فزاینده از لحاظ دورنما و جزئیات و هم چنین ملاحظات روبه گسترش هستند. (گوندلینگ، ۱۳۸۱: ۲۶۹) ماده ۱۴ کنواسیون تنوع زیست محیطی مقرر می‌دارد هر یک از کشورهای عضو در حاد امکان و به گونه مناسب، باید به روش‌های مناسب در زمینه لزوم ارزیابی اثرات محیط زیستی پروژه‌های خود را که ممکن است اثرات زیانبار قابل توجهی بر تنوع زیستی داشته باشند با هدف اجتناب از ایجاد چنان تأثیراتی در پیش گرفته و مشارکت مردمی را آن گونه که باید در این روش‌ها در نظر بگیرد؛ اقدامات لازمی را انجام دهد تا تضمین نماید که پیامدهای زیستی آن دسته از برنامه‌ها و سیاست‌های آن که اثرات زیانباری بر تنوع زیستی دارند، مدنظر قرار می‌گیرند؛ در زمینه تحت صلاحیت و کنترل خود که احتمالاً اثرات زیانبار قابل ملاحظه‌ای بر تنوع زیستی سایر کشورها یا مناطق ماورای قلمرو داخلی آن دارند بر اساس رفتار متقابل، با عقد قراردادهای دوجانبه، منطقه‌ای یا چندجانبه مناسب، ارائه و تبادل اطلاعات و مشاوره تشویق کند؛ در صورت بروز خطریا خسارت آنی یا کشنده برای تنوع زیستی در منطقه تحت صلاحیت یا کنترل سایر دولت‌ها یا مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی خود فوری دولت‌هایی را که به طور بالقوه در معرض خطر قرار می‌گیرند، آگاه کرده

واقدمات لازم را برای جلوگیری یا کاهش خسارات و خسارات یاد شده را آغاز کند.

۱۰-۲. اصل اطلاع رسانی و ارائه کمک در صورت وقوع حوادث اضطراری

مطابق اصل ماده ۱۸: «دولت‌ها باید کشورهای دیگر را بلافاصله از حوادث و فجایع طبیعی یا موارد اضطراری دیگر که به نظر می‌رسد آثار سوی بر محیط زیست این کشورها داشته باشد مطلع سازند».

کمک موثر دولت‌ها در مورد یک حادثه زیست‌محیطی سوالات متعددی را به وجود آورده است، هرچند که وضع حقوقی مشخص در این بین مطرح نیست اصل ۱۱ اعلامیه ریو در این رابطه فقط می‌گوید: «هر تلاشی باید بر اساس همکاری‌های بین‌المللی از طریق جوامع بین‌المللی انجام گیرد تا به کشور آسیب دیده کمک شود» در رابطه با اصول اعلام شده آلودگی فرامرزی قابل انتقال، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اعلام می‌کند که دولت‌ها باید هر جا که نیاز باشد به دولت‌های دیگر در جهت به حداقل رساندن و یا اگر امکان دارد در محو آثار ناشی از حوادث خطرناک کمک کنند و بالاخره باید راه‌های توسعه طرح‌های مقابله با وقوع احتمالی وقایع را پیش‌بینی بکنند.

۱۰-۳. اصل اطلاع رسانی و مشاوره در رابطه با آثار برون مرزی

غیر از موقعیت‌های اضطراری که بر حسب ضرورت با اطلاع به موقع، امکان کمک رسانی فراهم می‌گردد، دولتی که اجازه اجرای طرح‌ها یا فعالیت‌هایی را در محدوده سرزمین خود صادر می‌کند، باید اثرات بالقوه‌ای را که اینگونه اقدامات روی محیط زیست باقی می‌گذارد ارزیابی کند و بعد به دولت‌های دیگر اطلاع دهد. ارسال به موقع جزئیات مربوط به طرح و ارسال اطلاعات مربوط در حدی است که قوانین داخلی یا پیمان‌های بین‌المللی قابل اجرا آن را منع نکرده باشد. اصل ۱۹ اعلامیه ریو پیش‌بینی می‌کند که: «دولت‌ها باید امکان به خطر افتادن دولت‌های دیگر را قبلاً و به موقع اطلاع دهند همچنین باید اطلاعات تخصصی در خصوص فعالیت‌های که احتمالاً دارای آثار سوء و جدی هستند و از محدوده مرزها فراتر می‌روند، در اختیار دیگر دولت‌ها بگذارند و با آن‌ها در اسرع وقت و اعتماد کامل مشورت کنند». اهمیت اخطار قبلی، نه تنها در تعدیل دامنه خسارات آن برای سایر دولت‌ها بلکه در رابطه مستقیم آن با تعهد انجام ارزیابی پیامد‌های زیست‌محیطی در محدوده فرامرزی و نیز تحصیل رضایت اعلام شده قبلی، منعکس می‌شود. بنا بر این، اصل مشورت و رایزنی، دولت‌ها را مکلف می‌سازد به دولت‌هایی که با لقوه تحت تأثیر قرار می‌گیرند این امکان را اعطا نمایند تا فعالیت برنامه ریزی شده‌ای را که ممکن است به طور بالقوه منجر به خسارت گردد، بازنگری نموده و مورد بحث و بررسی قرار دهند. دولت‌های فعالیتهای کننده الزاماً مکلف نیست که منافع دولت در معرض تأثیر را رعایت نمایند.

۱۰-۴. مسئولیت بین المللی دولت‌ها در جبران خسارت زیست محیطی

حقوق بین المللی بر پایه توازن حاکمیت‌هایی و صلاحیت‌هایی قانونی هم‌زمان استوار است و عدول از نظم مبانی این توازن را که با نقض قواعد همراه باشد، مستوجب مسئولیت یا پاسخگویی دولت متخلف در برابر دولت زیان‌دیده و یا جامعه بین المللی می‌داند. مسئولیت هر چند از ابتدا مبتنی بر عمل متخلفانه بین المللی یعنی نقض قاعده بین المللی بوده اما گرایش نوین فکری و عمل در جامعه معاصر مبتنی بر مسئولیت در برخی زمینه‌ها حتی بدون وجود شرط تخل از قاعده است. اصل این است که خسارت ناشی از نقض حقوق بشر باید توسط شخص متخلف جبران شود و التزام حقوق شخص مزکور در این راستا، همان مسئولیت است. (فیوضی، ۱۳۷۹: ۴۱) قاعده بنیاد دین مسئولیت دولت را می‌توان در موزه حفاظت محیط زیست چنین خلاصه کرد:

دولت‌ها مسئول خسارات ناشی از نقض قاعده، هنجار، استانداردها بین المللی متداول به محیط زیست مناطق مشترک جهانی می‌باشد.

۱۰-۵. ماهیت تعهد دولت‌ها در پیشگیری از خسارت زیست محیطی

اصل عمومی و نخستین در مسئله مسئولیت بین المللی وجود یک عمل مخالف حقوق یا نقض یک تعهد بین المللی می‌باشد، تعهدات بین المللی ماهیت و طبیعت یگانه و یک نواخت ندارند، در نتیجه حدود و مسئولیت‌های احتمالی نیز با توجه به ماهیت و طبیعت تعهد نقض شده فرق می‌کند. (فیوضی، ۱۳۷۹: ۶۸)

اساساً حقوق بین الملل عام اصل تعهد مطلق به پیشگیری زیان ناشی از اعمال حق یا انجام فعالیت‌های ممنوع نشده را تصدیق نمی‌کند. تعهد دولت به پیشگیری از زیان، تعهد از نوع اعمال مراقبت‌های لازم یا به عبارت دیگر تعهد به وسیله است. بدین توضیح که دولت‌ها اساساً تا حد توان و امکانات خود ملزم به پیشگیری زیان ناشی از اعمال حق یا انجام فعالیت‌های ممنوع نشده لازم است عواملی از قبیل وسعت فعالیت، مکان آن، شرایط آب و هوایی خاص و مواد به کار رفته در آن فعالیت مد نظر قرار گیرد. کمیته محیط زیست سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ماهیت تعهد به وسیله بودن تعهدات دولت‌ها مبنی بر پیشگیری زیان ناشی از اعمال حق را این چنین مورد تأثیر قرار داده است: عرف مبتنی بر قاعده اعمال مراقبت لازم بر تمام دولت‌ها تحمیل نشده است تا فعالیت‌هایی که چار چوب صلاحیت آنها انجام می‌شود موجب زیان به محیط زیست دیگر دولت‌ها نشود. (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۲۶ و ۱۲۷) تکلیف پیشگیری از صدمه (زیست محیطی) غالباً بدین منظور مقرر شده است تا دولت‌ها را ملزم نماید کلیه اقدامات و مراحل «علمی ممکن» را برابر جلو گیری از وقوع صدمه به عمل آورند.

۱۱- ارزیابی و جبران خسارت زیست محیطی

جایی که زیان قبلا وارد شده باشد غرامت یا خسارت مالی، به نفع طرف زیان دیده حکم داده خواهد شد. وظیفه اساسی احکام خسارت، جبران تمامی زیانهای وارد بر محیط زیست، کارکردهای آن و هزینه‌هایی است که از رهگذر زیان زیست محیطی وارد می‌شود. صدور یک حکم کامل جبرانی به ماهیت زیان، ویژگیهای محیط زیست مورد نظر و ظرفیت فنی احیای خسارت بستگی دارد. هرگونه حکم به جبران خسارت یا غرامت مالی مستلزم ارزیابی اقتصادی خسارت وارده است. با بروز خسارت زیست محیطی مشکلات زیادی در این خصوص بروز می‌کند. البته کلیه اجزای محیط زیست را به سادگی نمی‌توان ارزش گذاری کرد. بسیاری از اجزای محیط زیست وجود دارند که دارای ارزش اقتصادی (بازاری) نیستند زیرا آنها مورد معامله قرار نگرفته و یا به عنوان اموال عمومی (مانند هوای پاک)، امانات عمومی (سواحل) یا ثروت ملی (پارکهای ملی) در نظر گرفته می‌شوند. کارکردهای منتزع اما حیاطی محیط زیست از قبیل سامانه های حامی - حیاط یا گرده افشانی زنبور های عسل کلا عاری از ارزش اقتصادی تلقی می‌گردند. با این همه در کل، ارزش اقتصادی محیط زیست به منزله یک کل می‌تواند به عنوان مبلغی شامل تمامی کالاها (غذا، الوار، گیاهان دارویی، پناهگاهها) و کارکرد های محیط زیست (حمایت از حیاط، تفریح، جذب آلاینده ها) در نظر گرفته می‌شود که در زمان فعالیت مورد نظر ارایه می‌شده است. هرگونه نقصان در کمیت و کیفیت جریان ارائه کالاها و کارکرد های همراه با تغییر محیط زیست که از رهگذر فعالیتی بوجود می‌آید، می‌تواند به عنوان زیان زیست محیطی در نظر گرفته شود. ارزش کامل اقتصادی زیان زیست محیطی در بردارنده ارزشهای برآمده از استفاده مستقیم و غیر مستقیم و سایر ارزشهایی است که مبتنی بر استفاده یا بهره‌برداری نیستند. استفاده ها می‌تواند مصرفی (درختان، ماهی ها) و غیر مصرفی (شکار پرندگان) باشند. استفاده غیر مستقیم برای نمونه شامل جلوگیری از فرسایش و سیل بوسیله حفاظت از پوشش سطحی زمین و حفاظت از پلانکتون ها به عنوان بخشی از زنجیره غذایی دریایی می‌شود. ارزشگذاری با روشهای متعددی امکان پذیر است. برای محصولاتی مانند ماهی یا الوار که از اجزای محیط زیست بدست می‌آیند مهمولا ارزش بازار می‌تواند برای محاسبه خسارات وارده مورد استفاده قرار گیرد. برای کالاها و کارکردهای زیست محیطی فاقد ارزش در بازار، باید از روشهای غیر مستقیم ارزشگذاری استفاده کرد. در صورت امکان، یکی از این روشها ارزیابی هزینه های احیا یا باز گرداندن محیط زیست به حالت سابق می‌باشد. ممکن است هزینه های اقتصادی تبعی از قبیل فوت درآمد یا خسارت به لذت ناشی از منافع تفریحی و چشم اندازی محیط زیست آسیب دیده وجود داشته باشد. صدور هر حکم خسارتی مستلزم تصمیم گیری در مورد مبنای ارزیابی ارزش محیط زیست، قبل از ورود خسارت است. (محسن عبدالهی، ۱۳۹۴، ۱۴۱ و ۱۴۲)

خسارت‌های زیست محیطی بعلت ویژگی‌ها و ماهیت ویژه‌ای که دارند لزوم اتخاذ رویکردهای مبتنی بر مسئولیت مبتنی بر خطر را تقویت می‌نماید. خسارات زیست محیطی غالباً «غیر قابل جبران»، «دیرپا» و از لحاظ بار اثبات «مشکل» هستند. بر این اساس برابر ماده ۴ منشور محیط زیست «هر شخصی باید در چارچوب مقرر در قانون نسبت به جبران خساراتی که بر محیط زیست وارد نماید اقدام نماید». (علی مشهدی، ۱۳۹۱، ۳۱) اعاده به وضع سابق، از بین بردن منبع ضرر و جبران نقدی خسارت از اقسام روشهای جبران خسارت زیست محیطی است. در زمینه خسارت محیط زیست احراز رابطه سببیت میان خسارات وارده و فعل زیانبار دشوارترین رکن اثبات مسئولیت مدنی شخص آلوده کننده محسوب می‌گردد. این دشواری در رابطه با آلودگی هوا با شدت بیشتری وجود دارد و ناشی از ویژگیها و اوصاف خاص این قسم از آلودگی نظیر غیر مستقیم بودن خسارات، منابع متعدد آلودگی، فرامرزی بودن و دخالت عوامل دیگر در جریان ورود خسارت است. گاهی در ورود خسارت اسباب و عوامل گوناگونی دخالت دارند و در نتیجه، تعیین رابطه سببیت با سبب حادثه را مشکلمی کنند. که به نظر می‌رسد مطابق ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳۳۲ قانون مدنی در حقوق ایران، اصل سبب نزدیک و بلاواسطه است مگر آنکه سبب دورتر سبب اقوی باشد. (اعظم علم خانی، ۱۳۹۳: ۷۳)

۱۱-۱. جبران نقدی خسارت

جایی که زیان قبلاً وارد شده باشد غرامت یا خسارت مالی، به نفع طرف زیان دیده حکم داده خواهد شد. وظیفه اساسی احکام خسارت، جبران تمامی زیان‌های وارد بر محیط زیست، کارکرد های آن و هزینه‌هایی است از رهگذر زیان زیست محیطی وارد می‌شود. صدور یک حکم کامل جبرانی به ماهیت زیان، ویژگی‌های محیط زیست مورد نظر و ظرفیت فنی احیای خسارت بستگی دارد. هرگونه حکم به جبران خسارت یا غرامت مالی مستلزم ارزیابی اقتصادی خسارت وارده است. با بروز خسارت زیست محیطی مشکلات زیادی در این خصوص بروز می‌کند. البته کلیه اجزاء محیط زیست را به سادگی نمی‌توان ارزشگذاری کرد. بسیاری از اجزای محیط زیست وجود دارند که دارای ارزش اقتصادی (بازاری) نیستند زیرا آنها مورد معامله قرار نگرفته یا به عنوان اموال عمومی (مانند هوای پاک)، امانات عمومی (سواحل) یا ثروت ملی (پارک‌های ملی) در نظر گرفته می‌شوند. کارکردهای متنوع اما حیاتی محیط زیست از قبیل سامانه‌های حامی - حیات یا گرده افشانی زنبور های عسل کلا عاری از ارزش اقتصادی تلقی می‌گردند. با این همه در کل، ارزش اقتصادی محیط زیست به منزله یک کل می‌تواند به عنوان مبلغی شامل تمامی کالاها (غذا، الوار، گیاهان دارویی، پناه گاه‌ها) و کارکرد های محیط زیست (حمایت از حیات، تفریح، جذب آلاینده‌ها) در نظر گرفته می‌شود که در زمان فعالیت مورد نظر ارائه می‌شده است. (محسن عبدالهی، ۱۳۹۴: ۱۴۱)

به موجب ماده ۳۶ پیش نویس کنوانسیون مسئولیت: غرامت باید شامل همه خسارت قابل تقویم مالی از جمله عدم النفع به میزانی که مسلم است باشد. (تقی زاده انصاری، ۱۳۹۵: ۱۶۱)

۱۱-۲. پرداخت هزینه آلودگی توسط آلوده کننده

اصل پرداخت مخارج آلودگی توسط شخص آلوده کننده (آلوده کننده - پرداخت کننده پرداخت توسط آلوده کننده یا پتا) بدین معنی است که شخص آلوده کننده، پرداخت مخارج اجرای تدابیر پیشگیری و رفع آلودگی با پرداخت خسارت ناشی از آلودگی را عهده خواهد داشت و ایجاد این اصل در قیمت کالا متمرکز می‌شود اینگونه هزینه‌های آن کالا از جمله مربوط به آلودگی، تخریب منابع و زیان‌های زیست محیطی را به قیمت کالا منعکس می‌شود. نتیجه اینکه هر قدر کالائی آلودگی کمتری داشته باشد، هزینه‌های زیست محیطی و در نتیجه قیمت کالا کمتر خواهد شد و مصرف کننده می‌تواند به سمت تهیه کالای با آلودگی کمتر برود. این امر به استفاده موثرتر از منابع و آلودگی کمتر منجر خواهد شد. اصل آلاینده می‌پردازد، یک اصل اقتصادی است. از جنبه اخلاقی و توزیعی نیز توجیه‌پذیر است. این اصل بر پایه باوری است که سبب زیان، بایستی مسئولیت را بر دوش کشد و در اصطلاح حقوقی به این معناست که مسئولیت زیان‌های زیست محیطی بایستی محض باشد نه مبنی بر تقصیر. اصل شانزدهم بیانیه ریو اصل پتا را بدین عبارت مورد تاکید قرار داده است: «مقامات هر کشور باید تلاش کنند تا هزینه‌های سالم‌سازی محیط‌زیست را با استفاده از ابزارهای اقتصادی مقدم شمارند و با توجه به این نکته که آلوده‌کننده محیط زیست باید در حقیقت هزینه‌های رفع آلودگی را تقبل کند، این مهم را با توجه به منافع عمومی بی‌آنکه به تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری آسیب وارد آید، به انجام رسانند.» اصل آلوده‌کننده باید بپردازد در کلیه کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به آلودگی محیط‌زیست اعم از آلودگی دریائی، هوائی، آلودگی ناشی از نفت یا مواد رادیواکتیو این اصل حاکم بوده و کشوری که باعث ایجاد آلودگی در یک کشور دیگر یا سرایت آن به یک کشور دیگر گردد جبران خسارت را بر عهده خواهد داشت. اصل پتا جنبه عام‌الشمول و عرفی داشته و در بسیاری از معاهدات بین‌المللی به صراحت مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. (نئودور پاناپوتو، ۱۳۸۷: ۲۱)

۱۱-۳. اعاده به وضع حالت سابق

اعاده به وضع سابق در واقع بهترین و مناسبترین روش جبران خسارت است. باید گفت از آنجا که هدف اصلی در این روش در صورت امکان برگرداندن وضعیت به حالت قبل است. این روش در حقوق محیط زیست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر می‌تواند از طریق ترمیم، احیاء، پاک‌سازی، بازسازی و اقداماتی از این قبیل صورت گیرد. استفاده از این روش در حقوق محیط زیست می‌تواند هم بعنوان ضمانت حقوقی و هم بعنوان یک تعهد بر شخص مسئول بار شود. برخلاف مواردی که اعاده وضع به حالت سابق معمولاً به عنوان ضمانت

کیفری در قوانین جزایی پیش بینی می شود این امر در قوانین مدنی صراحتاً پیش بینی نشده و از اصول کلی حاکم بر جبران خسارت می باشد. (علی مشهدی، ۱۳۹۲: ۲۰۴)

۱۱-۴. جلب رضایت زیان دیده

جلب رضایت قربانی به عنوان شیوه معنوی جبران خسارت محسوب می شود، هدف از آن التیام آلامی است که به شخصیت او وارد شده است. (تقی زاده انصاری، ۱۳۹۵: ۱۶۱)

این روش زمانی عمل می شود که پرداخت غرامت و اعاده وضع به حالت سابق ممکن نباشد و و ممکن است شامل پذیرش نقض یک تعهد، ابراز تاسف، عذرخواهی رسمی و یا هر روش مناسب دیگر باشد. و نیز باید متناسب با خسارت وارده بوده و تحقیق‌آمیز نباشد.

۱۱-۵. دستور موقت

طبق قاعده ی « وجوب دفع الضرر المحتمل » که از قواعد فقه اسلامی است، دستور موقت یکی از راهکارهای قدیمی است که می تواند از آلودگی یا دیگر آسیب های زیست محیطی بکاهد. (حمید بهرامی، ۱۳۸۸: ۲۳۱)

قوانین زیست محیطی در موارد غیر قابل جبران بودن زیان، فقدان جبرانهای دیگر، قابل رعایت بودن، تهدید سلامت عمومی، و آثار مالی بر خواننده بر اساس آیین های خارج از نوبت صادر می شوند، بویژه در قضایای زیست محیطی که در آنها به اقدام فوری نیاز است مناسب می باشد. و می تواند برای تضمین پایداری به قانون و الزام به احیای شرایط زیست محیطی زیانبار مهم باشد. این نوع جبران عموماً در کامن لا نیز موجود است. (محسن عبدالهی، ۱۳۹۴: ۱۴۰)

۱۱-۷. در نظر گرفتن مجازات

هدف از مجازات ابراز مخالفت اجتماع با رفتار ممنوعه و ارسال پیامی بازدارنده برای بازداشتن رفتارهای مشابه است. (علم خانی و بهرامی احمدی، ۱۳۹۳: ۱۴۰)

در جمهوری اسلامی ایران، مخصوصاً در زمینه آلودگی هوا، قوانین و مقررات جزایی موجود کامل و کافی نیست. رویه قضایی نیز در این رابطه دارای ایرادات و اشکالات گوناگون است. اگرچه در برخی موارد واکنش قوه قضایی در مواجهه با این نوع آلودگی سریع و مفید بوده است، اما در همه موارد چنین نیست. (قاسمی، ۱۳۸۰: ۱۳۰)

۱۱-۸. الزام به پرداخت هزینه های دادرسی

این تصمیم دادگاه موجب توانمند شدن شهروندان در اجرای حقوق محیط زیست از طریق شکایت است زیرا بسیاری از شهروندان تنها در صورتی قادر به شکایت علیه شرکت های بزرگ یا دیگر طرف های قدرتمند هستند که هزینه دادرسی آنان پوشش داده شود. (علم خانی و بهرامی احمدی، ۱۳۹۳: ۱۴۱)

نتیجه گیری

بی تردید، خداوند بزرگ انسان را از خاک خلق کرده و روزی او را در زمین قرار داده است، بهرمندی های گوناگون افراد بشر از مواهب طبیعی از همین روی است. قوانین وضع شده نیز هیچکدام در پی مسدود کردن استفاده و بهره برداری از محیط زیست نیستند. بی گمان استفاده بی رویه و تخریب این مواهب ممنوع است و در قوانین وضع شده نیز استفاده غیرمتعارف از جنگل و مراتع، منع شده است. علی رغم توسعه چشمگیر حقوق بین الملل در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست به ویژه در دهه های اخیر باید گفت که هنوز هم جبران خسارت زیست محیطی با چالش هایی مواجه است. هر چند که امروزه اسناد زیادی چه در سطح منطقه ای و بین المللی در این زمینه به تصویب رسیده ، اما اغلب آنها از یک سو به موضوعاتی خاص توجه دارند و از سوی دیگر مفاهیم اساسی و موثر در روند جبران خسارت زیست محیطی ، همانند «سطح خسارت» ، « ماهیت » ، « محدوده ی خسارت » و « مسئولیت زیست محیطی بین المللی » را به گونه ای نامشخص بیان کرده اند. همچنین با توجه به ویژگی های خسارات زیست محیطی نحوه ارزیابی خسارات زیست محیطی و روش های جبران همانند اعاده به وضع سابق ، پرداخت غرامت و سایر روش ها نیز با نارسایی هایی مواجه می باشد. در نهایت باید گفت که با توجه به رشد فرهنگ و آگاهی های عمومی در خصوص حمایت از محیط زیست و همچنین نارسایی های اصل جبران خسارت زیست محیطی ، توسعه و تدوین نظام جبران خسارت خاص این حوزه از حقوق را در آینده نزدیک ضروری می سازد. نظامی که نظام حقوقی خاص که در عین انطباق با اصول کلی و عام ملی و بین المللی ، متناسب با ماهیت منحصر به فرد محیط زیست و خسارات وارده به آن باشد.

فهرست منابع

- بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، قواعد فقه، جلد ۱، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران
- بوشهری، جعفر، (۱۳۸۳)، حقوق جزا جبران خسارت، شرکت سهامی انتشار، تهران
- بهرام سلطانی، کامبیز، (۱۳۷۱)، مجموعه مباحث و روش های شهرسازی و محیط زیست، چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران
- بهرام سلطانی، کامبیز، (۱۳۶۵)، مقدمه ای بر شناخت محیط زیست، چاپ اول سازمان حفاظت محیط زیست، تهران
- تقی زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۹۵)، حقوق بین الملل محیط زیست، انتشارات خرسندی، تهران
- جواد آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاء، چاپ هشتم، اسراء، قم
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۴)، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران
- حکیمیان، امیرحسین، (۱۳۷۲)، «مبارزه با فقر در قالب استراتژی ملی حفاظت از محیط زیست و توسعه»، محیط زیست
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، لغت نامه، جلد ۱۲، چاپ اول از دوره ی جدید، دانشگاه تهران، تهران
- رضایی، صالح، «مسئولیت بین المللی دولت ها در پیگیری از زیان های ناشی از فعالیتهای هسته ای صلح آمیز» فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱۳۸۹، ۱۳۸۹
- ژوردن، پاتریس، (۱۳۸۵)، اصول مسئولیت مدنی همراه با آرای دیوان عالی کشور فرانسه، ترجمه مجید ادیب، چاپ دوم، میزان، تهران
- سازمان حفاظت محیط زیست مالزی، (۱۳۸۴)، راهنمایی ارزیابی پیامدهای زیست محیطی توسعه، ترجمه پرستو میراب زاده، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران
- عبدالهی، محسن (۱۳۹۴)، ترجمه کتابچه قضایی حقوق محیط زیست «تالیف: دینا شیلتون-الکساندر کیس»، انتشارات خرسندی، تهران
- علم خانی، اعظم و بهرامی، احمد، (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی های زیست محیطی، خرسندی، تهران
- عمید، حسن، (۱۳۶۰)، فرهنگ عمید، امیر کبیر، تهران
- فیوضی، رضا، (۱۳۷۹)، مسئولیت بین المللی دولت ها و نظریه حمایت سیاسی، دو جلد، انتشارات دانشگاه تهران
- فیروزی، مهدی، (۱۳۸۳)، حق بر محیط زیست، پایان نامه کارشناسی ارشد، سازمان، انتشارات جهاد دانشگاهی
- قاسمی، ناصر، (۱۳۹۱)، حقوق کیفری محیط زیست، چاپ اول، خرسندی، تهران
- قاسمی، ناصر، (۱۳۸۰)، «نگرش حقوق کیفری ایران در باره بزه آلودگی هوا»، دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۲۱ و ۲۲

- کاتوزیان، ناصر، (تابستان ۱۳۸۷) مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی، فصلنامه حقوق محله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۲
- کیس، الکساندر، (۱۳۷۹)، مقدمه ای بر حقوق بین الملل محیط زیست، محمدحسن حبیبی، جلد اول، دانشگاه تهران، تهران
- کوروکولاسوریا، لال - رایبسنون، نیکلاس، (۱۳۹۰)، مبانی حقوق بین الملل محیط زیست، سید محمد مهدی حسینی، چاپ اول، میزان، تهران
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ ۶۲، شرکت سهامی انتشار، تهران
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، الزام های خارج از قرارداد، جلد ۱، چاپ هشتم، دانشگاه تهران، تهران
- گروه صلح حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو، (۱۳۸۹)، حقوق زیست محیطی بشر، چاپ اول، دادگستر، تهران
- گروه منابع طبیعی و محیط زیست ملل متحد و برنامه عمران ملل متحد، (۱۳۸۴)، راهبردهای مدیریت زیست محیطی، راهنمای مدیریت زیست محیطی و توسعه پایدار، حسن علی لقای، میزان، تهران
- گوندلینگ، لوتار، (۱۳۸۱)، همکاران، حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، جلد ۲، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران
- مشهدی، علی (۱۳۹۲)، حقوق آلودگی هوا، انتشارات خرسندی، تهران
- مشهدی، علی، (۱۳۹۱)، بنیادهای حقوق محیط زیست فرانسه، خرسندی، تهران
- موسوی، فضل الله، (۱۳۸۵)، سیر تحولات حقوق بین الملل محیط زیست، چاپ اول، میزان، تهران
- معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ معین، جلد ۱، امیر کبیر، تهران
- محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۸، قواعد فقه، جلد ۱، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۸
- نوری، جعفر، (۱۳۷۲)، فرهنگ جامع محیط زیست، چاپ اول، مولف، تهران
- ناظمی، مهرداد، (۱۳۸۵)، جزوه درس حقوق بین الملل محیط زیست کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- نئودور پانایوتو، (۱۳۸۷) ابزارهای تحول برای فراهم کردن موجبات توسعه پایدار، ترجمه سید امیر لیاقت تهران، سازمان محیط زیست ص ۲۱.

-Rey, Allain. Dictionnaire d'apprentissage de la langue française. Paris: Montral, Deuxieme Edition, (1993)

-philp sands, principles of International Environmental Law, Framework, Standards and Implementation, Manchester University Press, Manchester and New York.